**درس خارج اصول استاد سید محمد جواد شبیری(دام ظله)**

**جلسه342 – 26/ 06/ 1399 شمول لا ضرر نسبت به احکام عدمی /تنبیهات /قاعده لا ضرر**

**خلاصه مباحث گذشته و جلسه امروز:**

بحث درباره تطبیقات بحث اثبات حکم با تمسک به «لا ضرر» بود. استاد دام ظله ذیل بحث، بازگشتی به بحث از مفاد هیئت ترکیبی «لا ضرر و لا ضرار» داشتند. ایشان بیان کردند: «لا ضرر و لا ضرار» بر خلاف معنایی که در سابق اختیار شد، به معنای عدم مشروعیت ضرر نیست. در این جلسه استاد دام ظله این مطلب را بیشتر توضیح داده، معنای جدیدی را برای «لا ضرر و لا ضرار» اختیار می کنند.

# بازگشت از مبنای سابق در مفاد حدیث لا ضرر

در مورد حدیث لا ضرر سابقا قائل بودیم به این که بیش از تحریم اضرار به غیر از آن استفاده نمی شود ولی به نظر می رسد از لا ضرر بیش از تحریم استفاده می شود .

## تفاوت لا ضرر با ترکیبات مشابه (مسبوق بودن لا ضرار به لاضرر)

ترکیبات مشابه مانند «لا طاعه لمخلوق فی معصیه الخالق»[[1]](#footnote-1) و «لا رفث و لا فسوق و لا جدال فی الحج»[[2]](#footnote-2) و «لا غش بین المسلمین» و ... اگر چه در مقام تحریم اند و لکن همانطور که آقای سیستانی با مقداری تفاوت فرموده اند لا ضرر با این ترکیبات متفاوت است .

اگر فقرۀ لا ضرار تنها (بدون لاضرر) بود شاید می توانستیم آن را مشابه این ترکیبات بدانیم و لکن لا ضرار مسبوق به لا ضرر است و مراد از ضرر هم تضرر است پس مفاد حدیث این است که تضرر وجود ندارد و اضرار هم وجود ندارد و نفی وجود تضرر با این که می دانیم خارجاً تضرر وجود دارد ، به یکی از این دو معنا می تواند باشد :

1. شارع خودش ایجاد تضرر نمی کند یا به عبارتی تسبیب ضرر نمی کند .
2. شارع مقدس تسبیب به عدم تحقق ضرر می کند و جلوی تحقق آن را می گیرد .

این معنا را با توجه به مقدمیّت لا ضرر برای لا ضرار می گوئیم یعنی شارع مقدس می فرماید همچنانکه جلوی ضرر دیگران به شما را می گیرم جلوی ضرر زدن شما به دیگران را هم می گیرم؛ و این اشاره به این نکته است که وقتی شما حمایت قانونی از جانب شارع پیدا میکنید این حمایت قانونی در حق دیگران هم ثابت است .

## بررسی احتمال ارادۀ نهی از لفظ لا

برخی دوستان مطرح می کردند جه مانعی دارد که «لا ضرر» را این گونه معنا کنیم : نباید شما متضرر شوید و نباید به دیگران ضرر بزنید .[[3]](#footnote-3) پاسخ این است که ما در مشابهات این ترکیب مانند لا رفث و ... نیز نمی گوئیم «لا» به معنای نباید است بلکه لا به همان معنای نفی است ولی این نفی با توجه به خصوصیاتی که در منفی خوابیده معنای نباید پیدا می کند و این با این که ما از اول از نباید استفاده کنیم متفاوت است. اگر «لا ضرر» به این معنا بود که نباید متضرر شوید، مجبور به نوعی تأویل در کلام بودیم و آن را معنای نهی دیگران از اضرار به شما معنا می کردیم که به خاطر استفادۀ مستقیم از تعبیر نباید مجبوریم این تأویل را متحمل شویم ولی در اینجا «لا» به معنای نباید نیست تا مجبور شویم این مؤونه را متحمل شویم. به همین دلیل «لا ضرر» این گونه معنا می شود که حالت تضرر شما منتفی است. بله اگر تنها مصحح نفی وجود تضرر، حمل بر نهی بود ناچار بودیم این مؤونه را متحمل شویم ولی این گونه نیست که تنها مصحح، حمل بر نهی باشد و مصحح نفی وجود تضرر را باید با در نظر گرفتن مجموع نکات پیدا کرد .

## تذکر چند نکتۀ دخیل در استظهار معنای حدیث

1. ما سابقا گفتیم که این حدیث در واقع اصلش در داستان سمره است و در داستان سمره اولا خطاب این حدیث به سمره است و تمسک به لا ضرر و لا ضرار برای مخاطبش یعنی سمره است و ثانیا تطبیق آن هم به اعتبار لا ضرار یعنی فقره دوم است. پس با توجه به این دو نکته مجموع نقلیات در مورد سمره را در نظر بگیریم و با توجه به این مجموعه صحبت کنیم . مخاطب بودن سمره منافاتی ندارد با این که در نقل عبدالله بن بکیر که در کافی آمده و آقای سیستانی آن را معتبر میدانند، خطاب به انصاری است که «اذهب فاقلعها و ارم بها الیه فانه لا ضرر و لا ضرار»[[4]](#footnote-4) و در برخی نقلها مثل نقل ابن مسکان خطاب به سمره است «إنک رجل مضار و لا ضرر و لا ضرار علی مؤمن»[[5]](#footnote-5) (هر چند این نقل مرسل است اما ما ارسالش را به نحوی حل کردیم) یا در نقل دیگر دارد «ما اراک سمره الا مضارا»[[6]](#footnote-6) و در برخی نقلها خطاب به شخص خاصی نیست «فامر رسول الله صلی الله علیه و آله الانصاری ان یقلع النخل فیلقیها الیه و قال لا ضرر و لا ضرار»[[7]](#footnote-7) مخاطب بودن سمره به این معنا نیست که خطاب لفظا متوجه او است بلکه به این معناست که برای محکوم کردن و اسکات وی این خطاب بکار رفته است. پس در تمام این نقلها حضرت برای این که این اقدام قاطعانه خود را تبیین کنند بطوری که سمره دیگر حرفی برای گفتن نداشته باشد از این تعبیر استفاده نمودند .
2. شاید از همه نقلها بتوان استفاده کرد استناد پیامبر صلوات الله علیه و آله به لا ضرار است نه لا ضرر چون در برخی نقلها تعبیر مضار آمده و در برخی نقلها هم که اصلا «لا ضرر و لا ضرار» نیامده و فقط صغرای مضارّ بودن سمره آمده است. در این نقلهایی که لا ضرر و لا ضرار نیامده و صرفا صغرای مضار بودن سمره ذکر شده، اگر قرار بود به لا ضرر استناد شود دیگر اوردن لا ضرار وجهی نداشت و خود این ضمیمه کردن به معنای این است که می خواهند به فقره دوم تمسک کنند. چون فرض این است که این دو مفاد مختلف است هر چند به یک معنا هر دو مفاد نهایی واحدی دارند ولی حضرت می خواهد بفرماید «ای سمره همانطور که جلوی تضرر تو را میگیریم جلوی اضرارت را هم می گیریم» و ذکر لا ضرر در واقع مقدمه چینی برای لا ضرار است .
3. در این که چگونه لا ضرار تعلیل قلع نخله باشد توجیهاتی بیان شد که ممکن است تعلیل به اعتبار کبرای مطوی باشد که این کار حرام است و من شارع می توانم با صلاحدید خودم برای جلوگیری از محرم راه حل نشان دهم[[8]](#footnote-8) ولی انصاف این است که این توجیه تکلف دارد؛ بله اگر صریحا تحریم بیان شده بود برای این که ارتباط بین تحریم و حکم به قلع (معلول) برقرار شود ناچار بودیم کبرای مطوی را این گونه معنا کنیم ولی وجهی ندارد لا ضرر را که صراحت در تحریم ندارد، به تحریم حمل کنیم و بعد برای این که ارتباطش با امر به قلع را درست کنیم به این تکلفات ملتزم شویم. چون ما تازه در مقام ظهور گیری هستیم و باید با در نظر گرفتن مجموع نکات استظهار کنیم لذا نباید ظهور در تحریم را مفروض بگیریم و بعد نکات دیگر را توجیه کنیم .
4. مشهور علماء، تعلیل را به اعتبار لا ضرر گرفته بودند و گفته بودند حکم شارع که باعث تضرر شخص است به حکم شارع منفی است که این در واقع نفی سبب به لسان نفی مسبب است و این گونه توضیح می دادیم که آن حکمی که شارع دارد حکم حرمت تصرف در مال غیر است و می خواهد با لا ضرر این حرمت تصرف را نفی کند یا به عبارتی سلطۀ سمره را نفی کند و این تجویز کندن نخله را به دنبال دارد . به نظر می رسد این معنا هم معنای بعیدی نیست ولی ظاهر بدوی کلام این است که انصاری مأمور است نه مرخص ولو این امر و الزام پیامبر مشروط است به این که انصاری اگر خواست از حقش بگذرد و امر مولوی مصطلح نیست ولی در فضایی که انصاری راضی نیست این دستور صادر میشود و معنای این دستور این است که حضرت می خواهد با موضع گیری قانونی جلوی اضرار را بگیرد و حکمشان به جلوگیری را به لا ضرر تعلیل می کنند .
5. خود این که حضرت در مقام تعلیل بر آمدند شاهد این است که چون حکم حضرت یک حکم غیر قابل تحمل بوده حضرت برای این که محمل قانونی آن را بیان کنند تعلیل نموده اند .

خلاصه این که با ملاحظۀ مجموع نکات می توان گفت مفاد حدیث این است که شارع مقدس با موضع گیری قانونی جلوی اضرار سمره به غیر را می گیرد و لا ضرر هم جنبۀ مقدماتی دارد یعنی ای سمره ما همینطور که با موضع گیری قانونی جلوی اضرار دیگران به تو را می گیریم جلوی اضرار تو به دیگران را نیز می گیریم بنابراین درخت تو را می کنیم تا از اضرار تو جلوگیری کنیم . و این مقدمه (لا ضرر) و ذی المقدمه (لا ضرار) در واقع یک حکم شرعی است که از دو زاویه ملاحظه شده یک زاویه تضرر متضرر و زاویه دیگر اضرار مضار اسن و همین نکته باعث می شود تکرار آن مستحسن شود.

## نحوۀ تعیین راه کار جلوگیری از ضرر

البته این که شارع مقدس برای جلوگیری اگر تضرر شخص و اضرار شخص چه حکمی جعل کرده است تعینی ندارد که برای تشخیصش آقای سیستانی هم اشاره به این نکته کرده اند که نیازمند معیّن خارجی است لذا مثلا در همین قضیه سمره هر چند امکان دارد برای جلوگیری از ضرر، جریمه و وحبس و مانند این جعل شود و تمام این موارد مستند به لا ضرر است، اما شارع بهترین حکم را که قلع مادۀ فساد است انتخاب کرده است. پس روایت قطعا اطلاق ندارد که شارع تمام راه های جلوگیری از تضرّر را جعل کرده است و باید برای تعیین راه کار جعل شده، اموری ضمیمه شود. اگر خود شارع تعیین کرد فهو المتبع و الا اگر عقلاء در مشابهاتش روش عقلائی مشخصی دارند با توجه به ادله خاصه شرعیه و ارتکازات شرعی و عقلائی باید راه حل را تعیین کرد. باید دقت داشت: بین عقلاء نیز هر نحوه جلوگیری از ضرر، جائز است و در داستان سمره نیز مسیر طولانی طی شد تا به قلع نخل رسید که خود این شاهد است بر این که نمی توان به هر شکلی از ضرر جلوگیری کرد .

1. كتاب سليم بن قيس الهلالي، ج‏2، ص: 884 [↑](#footnote-ref-1)
2. البقره: 197 [↑](#footnote-ref-2)
3. مقرر: اگر «لا» را به معنای نباید بگیریم نتیجه اش این است که می تواند برای تحریم باشد نه برای جلوگیری از ضرر که در نتیجه شاید مفادش همان بیان سابق استاد باشد و بییش از تحریم استفاده نمی شود ولی استاد در جواب به این شبهه می فرمایند مراد از «لا» نفی است نه نهی . [↑](#footnote-ref-3)
4. الكافي (ط - الإسلامية)، ج‏5، ص: 292 [↑](#footnote-ref-4)
5. الكافي (ط - الإسلامية)، ج‏5، ص: 294 [↑](#footnote-ref-5)
6. من لا يحضره الفقيه، ج‏3، ص: 103 [↑](#footnote-ref-6)
7. من لا يحضره الفقيه، ج‏3، ص: 233 [↑](#footnote-ref-7)
8. مقرر: این بیان استاد ، اشاره به این مطلب است که آیا می توان از تفریع قلع و این که لا ضرر بعنوان تعلیل برای حکم به قلع آمده استفاده کرد که لا ضرر بیش از تحریم را افاده می کند و مثلا حمایت قانونی را نیز افاده می کند . استاد سابقا در پاسخ به این سئوال می فرمودند اگر لا ضرر به معنای مجرد تحریم باشد باز هم این تعلیل صحیح است و شاهدش هم این است که اگر بجای لا ضرر صریحا بگوئیم الاضرار حرام فاقلعها و ارم بها باز هم تعلیل صحیح بود چون این تعلیل و تفریع در واقع یک کبرای مطوی دارد که می تواند این تفریع را تصحیح کند و این کبرای مطوی می تواند این باشد که الاضرار حرام و یمکن للشارع رفع الحرام باسباب جعلها بیده لا بید غیره و این تفریع نیز از جعلیات خود شارع بوده لذا معنایش این نیست که ما نیز بتوانیم تفریعات این چنینی انجام دهیم ؛ ولی استاد از این توجیه برگشته و می فرماید این توجیه همراه با تکلف است و گویا عرف چنین کبرای مطوی ای به ذهنش نمی آید . [↑](#footnote-ref-8)